



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عرض کردیم کسی که عمداً روزه اش را باطل کند کفاره بر او واجب است که در این صورت مخیر است بین عتق رقبه او صیام شهرین متتابعین أو إطعام ستین مسکیناً و دلیل آن هم عرض شد و مورد بررسی قرار گرفت. صاحب عروة بعد از ذکر این مطلب می فرمایند که اگر صائم روزه خود را از راه حرام بشکند مثل اینکه مال مغضوب را بخورد یا شرب خمر کند و امثال ذلك؛ يجب عليه الجمع بين الخصال الكفارة. خوب در اینجا چند بحث وجود دارد؛ اول اینکه باید ببینیم اقوال فقهای ما در مورد هر کدام از افطار به محرم و محلل چیست؟ دوم اینکه باید ادله طرفین را بررسی کنیم تا ببینیم کدام یک درست می گویند چون از میان شراح عروة آقای خوئی و مهذب الاحکام حرف صاحب عروة در مورد وجوب کفاره جمع در صورت افطار به حرام را قبول نکرده اند ولی در مقابل آقای حکیم با قاطعیت حرف صاحب عروة را قبول کرده است لذا ما باید ادله طرفین را بررسی کنیم.

اما از لحاظ اقوال باید عرض کنیم که در شرایع این طور گفته شده: «الكفارة فی شهر رمضان عتق رقبة أو صیام شهرین متتابعین أو اطعام ستین مسکیناً مخیراً بین ذلك و قيل بل هی علی الترتیب، و قيل يجب بالافطار المحرم ثلاث كفارات و بالمحلل كفارة و الاول أكثر»، همانطور که می بینید محقق در شرایع وجوب کفاره جمع به خاطر افطار به حرام را به قیل نسبت داده اند ولی صاحب جواهر فرموده اند: **والقائل الصدوق**. محقق در ص ۶۶۸ از جلد ۲ معتبر بعد از ذکر خبر هروی که دلالت بر کفاره جمع دارد می فرماید: «ولم يظهر العمل بهذه الرواية بین الاصحاح ظهوراً یوجب العمل بها، ربّما حملناها علی الاستحباب لیكون أكد فی الزجر». صاحب جواهر در ص ۱۵۸ تا ص ۱۶۱ از جلد ۱۷ جواهر بعد از ذکر خبر هروی این بحث را مطرح کرده است و مناقشاتی در این خبر کرده اند که بعداً آنها را ذکر می کنیم. خوب تا حدودی اقوال برای ما معلوم شد و دانستیم که در میان قدما فقط صدوق (ره) قائل به وجوب کفاره جمع در صورت افطار به حرام می باشد. اما مرحوم نراقی در ص ۵۲۲ از جلد ۱۰ مستند الشیعه می فرماید: «المسئلة الثالثة: لو أفطر فی شهر رمضان علی محرم

تجب علیه كفارة الجمع أى الخصال الثلاث وفاقاً للصدوق فی الفقیه و الشیخ فی کتابی الاخبار (تهذیب و استبصار)»، یعنی شیخ در تهذیب و استبصار در جمع بین روایات گفته است؛ اگر افطار به محلل باشد یکی از خصال کفارة و اگر به محرم باشد خصال کفاره جمعاً واجب است، و این حمزه در وسیله و علامه در قواعد و ظاهر تحریر و همچنین در ارشاد و دروس و لمعه و شرح لمعه و حقائق همگی گفته اند در افطار علی محرم کفاره جمع واجب است... إنتهی کلام نراقی در مستند الشیعه.

اما از لحاظ ادله باید عرض کنیم ادله ای که در جلسه قبل برای ثبوت کفاره در صورت افطار عمدی روزه خواندیم هم شامل افطار به محلل و هم شامل افطار به محرم می شوند، حالا ما باید ببینیم آیا اخبار دیگری داریم که آن مطلقات را تقیید کنند یا نه؟ خوب اخبار مربوط به بحث امروز ما در باب ۱۰ از ابواب ما میسک عنه الصائم ذکر شده اند، دلیل اول خبر ۱ از این باب ۱۰ است: «محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن علی بن الحسین بن بابویه عن عبد الواحد بن محمد بن عبدوس النیسابوری عن علی بن محمد بن قتیبة عن حمدان بن سلیمان عن عبد السلام بن صالح الهروی قال: قلت للرضا(ع): یا بن رسول الله قد روی عن آبائک(ع) فی من جامع فی شهر رمضان أو أفطر فیہ ثلاثة كفارات، و روی عنهم ایضا كفارة واحدة، فبأی الحدیثین تأخذ؟ قال: بهما جمیعا، متی جامع الرجل حراماً أو أفطر علی حرام فی شهر رمضان فعلیه ثلاث كفارات: عتق رقبة، و صیام شهرین متتابعین، و إطعام ستین مسکیناً، و قضاء ذلك الیوم، و إن کان نکح حلالاً أو أفطر علی حلال فعلیه كفارة واحدة، و إن کان ناسیاً فلا شیء علیه». شیخ طوسی خبر را از کتاب صدوق نقل می کند و اسناد شیخ به صدوق صحیح است و عبد الواحد بن محمد بن عبدوس نیسابوری از طبقه ۹ و علی بن محمد بن قتیبه از طبقه ۸ هستند و حنان بن سلیمان از طبقه ۷ و موثق است و عبد السلام بن صالح هروی همان أباصلت زمان امام رضا(ع) می باشد و ما بعداً مفصلاً درباره سند این روایت بحث می کنیم زیرا بحث رجالی که درباره این روایت وجود دارد باعث اختلاف آراء میان فقهای ما شده است منتهی از لحاظ دلالت خبر بسیار روشن است. آیت الله خوئی در مستند العروة از مدارک که یکی از شروح جواهر است نقل کرده که ایشان(صاحب مدارک) در جلد ۶ از مدارک به این خبر که دلیل بر کفاره

نکردن اصحاب و فقها به این خبر تا زمان محقق ، و خلاصه اینکه این بحث اجتهادی است و مبتنی است بر اجتهاد شما ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

جمع است اشکال کرده و فرموده ؛ در سند خبر چند نفر نیشابوری قرار دارند که همگی مجهول الحال هستند من جمله عبد الواحد بن محمد بن عبدوس نیشابوری و علی بن محمد بن قطیبه و عبد السلام بن صالح هروی بنابراین خبر ضعیف است و آقای خوئی هم در مستند این اشکالها را تا حدودی قبول کرده و گفته که این خبر ضعیف است ، اما در مقابل مامقانی در ص ۲۲۲ از جلد ۲ طبع قدیم تنقیح المقال به طور مفصل و مبسوط درباره سند این روایت بحث کرده و در نهایت قائل به صحت سند این خبر و وثاقت افراد نام برده شده است و همچنین علامه در خلاصه و نجاشی أباصلت را توثیق کرده اند بنابراین سند روایت درست شد و دلالتش هم روشن است .

دلیل دوم خبر ۳ از باب ۱۰ از ابواب ما یمسک عنه الصائم می باشد ، خبر این است : « محمد بن علی بن الحسین یاسناده عن ابي الحسن محمد بن جعفر الأسدی فیما ورد علیه من الشیخ ابي جعفر محمد بن عثمان العمری - یعنی عن المهدي (عج) - فیمن أظفر يوماً من شهر رمضان متممداً بجماع محرّم علیه، أو بطعام محرّم علیه ، أنّ علیه ثلاث کفارات » ، ابوالحسن جعفر اسدی از اساتید صدوق است که مقام بسیار والایی دارد ، البته آقای خوئی در وثاقت اساتید صدوق خدشه می کند و نفس استاد صدوق بودن را موجب وثاقت نمی داند خلافاً لتنقیح المقال و ما که قائل به وثاقت اساتید صدوق هستیم ، خلاصه اینکه به نظر بنده این دو خبر که دلیل بر وجوب کفاره جمع هستند از لحاظ سند خوبند و از لحاظ دلالت هم بسیار روشن هستند . خوب همانطور که در اول بحث عرض کردیم صاحب جواهر در سند این دو خبر خدشه کرده و بعد فرموده اند که با ظنون اجتهادیه می توان آنها را درست کرد منتهی در آخر بحثشان می فرمایند ؛ این اخبار نمی توانند دلیل فقهی برای ما باشند و اما الاحتیاط لا ینبغی ترکه یعنی بنابر احتیاط در صورت افطار به حرام کفاره جمع ثابت است .

و اما آقای بروجردی در حاشیه عروة و حضرت امام (ره) هم در حاشیه عروة و هم در تحریر الوسیله و آقای خوئی در منهاج الصالحین فرموده اند ؛ الاحوط الجمع و بنده هم در حاشیه عروة همین را گفته ام ، و به نظر بنده علت عمده که این افراد احتیاط کرده اند و فتوی نداده اند این است که روایات مذکور تا زمان محقق مورد عمل اصحاب نبوده و بعد از ایشان هم فقط شیخ صدوق در جمع بین اخبار قائل به این مطلب شده و در کتابهای فقهی فتوی نداده است و علت اینکه ما هم در حاشیه عروة احتیاط کرده ایم و فتوی نداده ایم همین است یعنی به خاطر عمل